

نواورهای آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر قلمرو حقوق متهمان

سید عیسی حسینی^۱ - ایرج گلدوزیان^۲ - جعفر کوشا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱

چکیده:

حقوق متهم جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولتمردان به مردم واگذار کرده باشند و بتواند از آنان سلب نمایند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. در آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه‌ای به حقوق متهم شده و نوآوری‌هایی نیز صورت گرفته است، در همان مواد اولیه این قانون چه در تعریف آیین دادرسی کیفری و چه در تبیین موارد مهمی چون اصل بی‌طرفی و استقلال مراجع قضایی، اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، اصل برائت، لزوم تفهیم اتهام و آگاهی متهم از علت و ادله تعقیب، حق دسترسی به وکیل، رعایت حقوق شهروندی مندرج در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در مواد یک تا هفت این قانون مشاهده می‌شود ما شاهد نگاهی مثبت و جدید به امر دادرسی و توجه به حقوق متهم هستیم.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، نواورهای آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حقوق متهم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی
iranvash8@gmail.com

^۲ - استاد و عضو هیئت علمی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول
miramts1@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
j_kousha@sbu.ac.ir

مقدمه

در آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه‌ای به حقوق متهم شده و نوآوری‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است، در همان مواد اولیه این قانون چه در تعریف آیین دادرسی کیفری و چه در تبیین موارد مهمی چون اصل بی‌طرفی و استقلال مراجع قضایی، اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، اصل برائت، لزوم تفهیم اتهام و آگاهی متهم از علت و ادله تعقیب، حق دسترسی به وکیل، رعایت حقوق شهروندی مندرج در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در مواد یک تا هفت این قانون مشاهده می‌شود ما شاهد نگاهی مثبت و جدید به امر دادرسی و توجه به حقوق متهم هستیم که شایان توجه است. از دیگر نوآوری‌های این قانون، تخصصی شدن دادرها بر حسب موضوع اتهام است که در ماده ۲۵ پیش‌بینی شده و در قوانین قبلی سابقه نداشته است. پلیس ویژه برای بازجویی از اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی و همین‌طور بازجویی از زنان و نابالغان توسط ضابطین مخصوص نیز از نکات جدید و قابل توجه این قانون است. حق ملاقات با وکیل برای متهم بلافاصله پس از دستگیری مندرج در ماده ۴۸ و حق برقرار کردن تماس از سوی متهم با خانواده و مطلع کردن اعضای آن از وضعیتش از دیگر نوآوری‌های قانون جدید و در راستای توجه به حقوق متهم است. همچنین می‌توان گفت که امکان تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری توسط دادستان و با درخواست بازپرس در جرایم تعزیری درجات شش، هفت و هشت نیز در قانون جدید آیین دادرسی کیفری قابل توجه است. (آخوندی، ۱۳۹۳: ۴۵)

تکلیف ضابطان دادگستری در مطلع ساختن شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدت مندرج در ماده ۳۸ نیز جدید و مثبت است. تفهیم فوری و کتبی اتهام به متهم و تشکیل پرونده شخصیتی برای متهم در جرایم سنگین نیز در این قانون شایان توجه است. تاسیس نظارت قضایی مندرج در ماده ۲۴۷ نیز به این شکل در قوانین قبلی سابقه نداشته است، پیش‌بینی جبران خسارت متهم بازداشت شده که بی‌گناهی‌اش مشخص می‌شود از مهمترین موارد قانون جدید است که در ماده ۲۵۵ بدان تصریح شده و طبق آن شخصی که تبرئه می‌شود می‌تواند خسارات ایام بازداشت را از دولت مطالبه کند و این امری است که در قوانین ما بی‌سابقه است، ضمن اینکه شرایط و ساز و کار مطالبه این خسارات نیز در مواد ۲۵۷ تا ۲۶۱ این قانون تعیین و تبیین شده است. به طور کلی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری به حقوق شهروندی و حقوق متهم توجه خاص شده است و

همین که در هیچ دادگاهی با یک قاضی تصمیم به اعمال مجازات‌های سنگین گرفته نمی‌شود خود از موارد رعایت حقوق متهم است. (خالقی، ۳۹: ۱۳۹۳)

۱. اهمیت حقوق دفاعی متهم

حقوق متهم جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولتمردان به مردم واگذار کرده باشند و بتواند از آنان سلب نمایند. لذا بر حاکمان است که تدابیر لازم جهت رعایت و حمایت آن فراهم نمایند و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارد، تا بتوانند در صورت بی‌گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شود. حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه بشری در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می‌شود. (درمزاری، ۱۳۹۳: ۱۸) رعایت حق دفاع متهم مستلزم آن است که هیچ فردی بدون دلایلی کافی احضار و جلب نشود، و در صورت احضار و جلب بتواند آزادانه و آگاهانه و در فرصت مناسب در دادگاه علنی، بی‌طرف و در معیت وکیل مدافع از اتهام یا اتهامات روا یا ناروا از خودش دفاع کند. (آخوندی، ۱۳۹۳: ۴۲) این موضع بدان اهمیت است که اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه منطقه‌ای، قانون اساسی و قوانین عادی کشور بر آن تاکید فراوان دارند و رعایت آن در هر کشوری نشانگر رعایت اصول اخلاقی و سطح فرهنگ بالای آن کشور خواهد بود. این حق منبعث از حق آزادی بشر و اصل طلایی برائت است که بشر در طول سالیان متمادی با زحمات فراوان به آن نائل شده و خون‌های بسیاری به پای آن ریخته شده است. بنابراین رعایت از حق دفاع متهم علاوه بر اینکه جلو اشتباهات قضایی را می‌گیرد، و پایه‌گذار یکی محاکمه عادلانه، منصفانه و بی‌غرضانه خواهد بود. (عباس زاده، ۶۴: ۱۳۹۲)

۲. منابع حقوق متهم

منابع حقوق متهم را می‌توان به منابع داخلی و بین‌المللی تقسیم کرد:

۲-۱- منابع بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر ناشی از تفکرات حقوقی، سیاسی و فلسفی حقوقدانان، فلاسفه و متفکران راجع به حقوق بشر در طول قرون متمادی است شقاوت‌های نازیسم و فاشیسم در طول جنگ جهانی دوم، انگیزه توجه به شخصیت و حیثیت انسانی و توسعه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر را توسعه داد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در اجلاس سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل در پاریس به تصویب رسید و مشتمل بر سی ماده می‌باشد. این اعلامیه علیرغم

اهمیت سیاسی و تاریخی، به خودی‌خودی فاقد اعتبار حقوقی است، زیرا فاقد تضمیناتی به نفع افراد و ضمانت اجرا علیه کشورها است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۶۸) ممنوعیت شکنجه با رفتار ظالمانه یا تحقیرآمیز متهم (ماده ۵) حق تساوی در برابر قانون (ماده ۷)، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه (ماده ۹)، اصل برائت و تضمین حق دفاع متهم و اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۱۱) از مباحثی هستند که در این منشور با حقوق متهم مرتبط است.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر فاقد ضمانت اجرایی بود و دربرگیرنده کلیاتی بوده که احتیاج به تبیین و تفسیر بیشتری داشت، کمیسیون حقوق بشر با تدوین میثاق‌هایی سعی در رفع این معایب داشت. (مهرپور، ۱۳۷۷: ۴۳۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر ۵۳ ماده می‌باشد که موادی از آن مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی متهم است. میثاق فوق در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و از طرف نماینده دولت ایران در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۶۸ در نیویورک امضاء شد و پس از تصویب مجلس شورای ملی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به تصویب مجلس سنا رسید. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۸۳) اهمیت این میثاق بدان جهت است که اولاً؛ نسبت به حقوق آزادی‌های اساسی متهم اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته است. ثانیاً، به موجب ماده ۴۰ میثاق: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند درباره تدابیری که ایجاد کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و درباره پیشرفت‌های حاصل گزارش‌هایی به کمیته حقوق بشر (نهادی نظارتی بر اجرای مقررات میثاق در کشورهای عضو می‌باشد) ارائه کنند. مهم‌ترین عناوین مندرج در این میثاق در رابطه با حقوق متهم عبارتند از: منع شکنجه و آزار و رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی (ماده ۷)، منع دستگیری یا بازداشت خودسرانه و سلب آزادی اشخاص (بند یک ماده ۹). حق اطلاع یافتن متهم از علت دستگیری خود در موقع دستگیر شدن و تفهیم اتهام به او (بند ۲ ماده ۹)، حضور متهم در اسرع وقت نزد مقام قضایی پس از دستگیری یا بازداشت (بند ۳ ماده ۹). حق جبران خسارت وارده به جهت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی (بند ۵ ماده ۹)، رفتار توأم با احترام نسبت به کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند (بند یک ماده ۱۰). نگهداری متهمین جدای از محکومین و نگهداری متهمین صغار جدای از بزرگسالان (بند ۲ ماده ۱۰)، اصل برائت (بند ۲ ماده ۱۴)، در اختیار قرار دادن وقت و تسهیلات کافی جهت دفاع مؤثر و ارتباط با وکیل از ناحیه متهم، حق بهره‌مندی و استفاده از مترجم در صورتی که متهم زبان مرسوم می‌شود را نفهمد و حق پرسش متهم از

شهودی که علیه او گواهی می‌دهند (بند ۳ ماده ۱۴)، اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۱۵) و منع دخالت خودسرانه در زندگی خصوصی افراد یا اقامتگاه افراد و نیز شرافت و حیثیت انسانی آنها (ماده ۱۷). (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۱۷)

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز از اسناد دیگری است که به حقوق متهم توجه کرده است. در مقابل ترویج مفاهیم حقوق بشر که مبتنی بر فلسفه و بینش غربی بود، نسبت به پذیرش این مفاهیم از سوی دولت‌های اسلامی، برخوردهای مختلفی صورت گرفت. اعلامیه اسلامی حقوق بشر در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره در سال ۱۹۹۰ میلادی و ۱۳۶۹ شمسی تدوین و به تصویب رسید. اعلامیه مذکور که با توجه به مفاهیم عالی و ضوابط اسلامی، حقوق بشر را بررسی و تدوین کرده است و مبنا و اساس آن بر شریعت مقدس اسلام استوار است با دیدگاه مذهبی به بشر و حقوق وی نگرسته و دولت‌های عضو را به رعایت آن حقوق دعوت کرده است. اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر متضمن این ایراد حقوقی است که فاقد ضمانت اجرای است و از حد توصیه اخلاقی فراتر نمی‌رود. اعلامیه مزبور نیز مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده می‌باشد که در مواد مختلف به حقوق و آزادی‌های فردی و همچنین حقوق متهم در جریان دادرسی کیفری از جمله برابر بودن افراد در برابر شرع، اصل مسئولیت شخصی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، منع شکنجه و غیره اشاره کرده است. (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۳۲)

سند دیگر قرارداد اروپایی حقوق بشر است که در سال ۱۹۵۰ میلادی با هدف احترام و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، فیما بین برخی کشورهای اروپایی به تصویب رسید. کشور-های عضو به موجب این قرارداد ملزم به رعایت حقوق مزبور شدند مقررات آن از جهت صورت و محتوا با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطابقت دارد که برای پیشگیری از اطاله بحث از تکرار مطالب خودداری می‌کنیم.

کنوانسیون منع شکنجه نیز به منع رفتارهای غیرانسانی با متهم یا مظنون پرداخته است. در قرون وسطی و اوایل دوره معاصر شکنجه برای اخذ اقرار و حتی پس از اقرار نیز در فرانسه اجرا می‌شد. در قرن هفدهم میلادی مخالفت با شکنجه از سوی برخی دانشمندان همچون منتسکیو، ولتر و بکاریا مطرح شد، ولی هنوز مورد پذیرش قضات بود تا اینکه با توجه به مخالفت عمومی و همه جانبه، در سال ۱۷۸۸ شکنجه در فرانسه لغو شد و به تدریج به سایر کشورها و از جمله آلمان، انگلیس، اتریش نیز تسری یافت. در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شکنجه ممنوع اعلام شده و در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ نیز مجموع عمومی اعلامیه حمایت افراد انسانی در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده را تصویب کرد و بعد از آن قرارداد منع شکنجه در دسامبر ۱۹۸۴ به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است. (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

این قرارداد اعمال شکنجه و هرگونه رنج و آزار متهمان و محکومان را به هنگام بازداشت منع می‌کند و در دفاع و حمایت از شهروندان تکالیفی قضایی و غیرقضایی به عهده دولت‌ها گذاشته است. در این قرارداد نظارت بر اجرای تعهدات دولتی اعمال می‌شود، ولی نقض این تعهدات با ضمانت اجرای قوی توأم نیست. (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۸۳) علاوه بر اینکه جامعه بین‌المللی اجازه خواهد یافت بر اجرای تعهداتی که دولت‌ها به موجب این قرارداد سپرده‌اند نظارت کند، همه افراد نیز اختیار خواهند داشت که خودشان به تعقیب شکنجه‌گران در قلمرو دولت‌های متعاقد بپردازند. براساس مواد یک و دو هر نوع رنج، عذاب و فشار جسمی و روحی که از ناحیه مقامات دولتی صورت گیرد، خواه برای کسب اطلاعات یا اقرار یا هر منظوری دیگر باشد، شکنجه محسوب می‌شود و دولت‌های عضو این کنوانسیون متعهد می‌شوند اقدامات مؤثر قانونی، قضایی و اجرایی برای جلوگیری از آن به عمل آورند. مواد ۵، ۶، ۷ در خصوص تکلیف دولت‌ها به تعقیب و محاکمه مرتکبین شکنجه و ایجاد امکانات طرح شکایت قربانی شکنجه است در ماده ۸ شکنجه جرمی قابل استرداد معرفی می‌شود و طبق ماده ۱۱ دولت‌های عضو موظفند به منظور جلوگیری از شکنجه قواعدی راجع به بازرسی از زندان و رفتار با اشخاص زندانی تنظیم نمایند و بالاخره جبران خسار قربانی شکنجه در ماده ۱۴ پیش‌بینی شده است.

۲-۲- منابع داخلی

توجه به حقوق بشر و کوشش‌های وسیعی که در جهت ملزم کردن دولت‌ها به پذیرش و رعایت اصول حقوق بشر صورت گرفت، سعی و تلاش در ایجاد دادگاهی جهت رسیدگی به شکایات مربوط به نقض این حقوق و تصویب قوانین داخلی کشورها منطبق با اصول آن را از سوی دولت‌ها به دنبال داشت از این رو تأمین و تضمین حقوق متهم در قوانین اساسی و عادی و رویه‌های قضایی براساس موازین حقوق بشر عینیت یافت. در اینجا منابع داخلی حقوق متهم را به طور اختصار بررسی می‌کنیم:

الف) قانون اساسی: متشکل از مجموعه قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی سه‌گانه کشور و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد را در مقابل دولت

مشخص می‌نماید. فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» اصولی را برای تضمین حقوق متهم مقرر دانسته و در فصل یازده به برخی از این اصول اشاره شده است؛ ممنوعیت تفتیش منزل متهم بدون اجازه مقام قضایی (اصل ۲۵)، ممنوعیت تفتیش در وسایل ارتباطی متهم اعم از ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، بازرسی، رساندن نامه‌ها و... (اصل ۲۵)، ابلاغ و تفهیم کتبی اتهام با ذکر دلایل آن به متهم (اصل ۳۲)، ممنوعیت دستگیری یا بازداشت خودسرانه متهم بدون کسب اجازه‌ی مقامات قضایی (اصل ۳۲)، حق انتخاب وکیل مدافع و معاضدت قضایی در صورت عدم توانایی از معرفی وکیل از سوی متهم (اصل ۳۵)، اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶)، اصل برائت (اصل ۳۷)، ممنوعیت اعمال شکنجه و اجبار متهم جهت اخذ اقرار، کسب اطلاع و سوگند، اصل (۳۸)، علنی بودن دادرسی جهت تضمین رعایت حقوق افراد (اصل ۱۶۵)، مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌ها به مواد قانونی و اصول حقوقی (اصل ۱۶۶)، حضور هیأت منصفه در جلسه رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی (اصل ۱۶۸)، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی (اصل ۱۶۹)، جبران خسارت مادی و معنوی متهمین بی‌گناه. (اصل ۱۷۱)

ب) قوانین عادی: اعم از شکلی و ماهوی با پیروی و تبعیت از قانون اساسی در جهت تأمین و تضمین حقوق متهم تمهیداتی را در نظر گرفته است. از جمله در قانون مجازات اسلامی اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲)، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی (ماده ۱۰)، پذیرش دفاع مشروع (ماده ۱۵۶) ممنوعیت اجبار و شکنجه متهم برای اخذ اقرار (ماده ۱۶۹)، ممنوعیت توقیف، بازداشت یا تعقیب جزایی افراد به طور غیرقانونی (ماده ۵۷۵)، ممنوعیت ورود غیر-قانونی به منزل اشخاص بدون اجازه و رضای صاحب منزل (ماده ۵۸۰)، ممنوعیت مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نمودن مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص بدون تجویز قانونی (ماده ۵۸۲)، مورد توجه قرار گرفته است.

حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز مورد توجه قرار گرفته است از جمله حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۳۵۱) معاضدت قضایی در صورت عجز از معرفی وکیل از سوی متهم در مرحله دادرسی (ماده ۳۴۷-۳۴۸)، علنی بودن دادرسی به جز در موارد استثنایی (ماده ۳۵۲)، امکان تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌ها (ماده ۴۲۸-۴۲۷)، امکان رد دادرسان و قضات تحقیق که در مواردی حق رسیدگی ندارند (ماده ۴۲۱)، شرکت الزامی وکیل مدافع در جرایم مستلزم قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد (تبصره یک ماده ۳۴۸)

قابل ذکر است.

رویه قضایی یعنی «شکل کلی تصمیم مکرر قضایی که در موارد مشابه به لحاظ الزام معنوی و یا الزام قانونی مبنای حکم مرجع قضایی قرار گیرد» نیز در راستای حقوق متهم حرکت کرده است. رویه قضایی در مفهوم عام مجموع آراء، قضایی دادگاه‌ها و مجموع روش‌های متداول در دادرسی و دادگاه‌ها و سایر مراجع است و در مفهوم خاص به آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور گفته می‌شود. باید دانست که تلاش رویه قضایی در تکمیل قانون در امور کیفری، محدود به آیین رسیدگی و تعقیب است و نمی‌تواند امر نادرستی را که عقل شایسته مجازات می‌بیند و قانون درباره آن حکمی ندارد، کیفر دهد. (مهبادی، ۱۳۹۳: ۲۱)

۳- احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

ماده ۷ - «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)^۱ مصوب ۱۳۷۵/۰۴/۰۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۶). قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تکلیف به رعایت حقوق مندرج در آن قانون را به روشنی متوجه «کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرسی و ضابطان قوه قضائیه» نموده است، در حالی که ماده فوق تکلیف مذکور را به سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند^۲ نیز تسری داده است. بنابراین، ماده ۷ و ضمانت اجرای کیفری آن شامل کسانی نظیر وکیل و کارشناس نیز که به واسطه سمت خود در فرآیند دادرسی مداخله دارند و مثلاً مرتکب نقض بند ۱۴ قانون مذکور شوند (استفاده شخص از اموال و اشیاء ضبط شده از متهمان) می‌گردد. بدیهی است که در چنین فرضی، شمول ماده ۵۷۰ بر این اشخاص، امری استثنایی و مستند

۱- مطابق این ماده، اصلاحی ۸۱/۱۰/۱۱: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». به نقل از خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران شهر دانش، ۱۳۹۲.

۲- این تاریخ، تاریخ «نتشار» قانون مذکور در روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۳ است، نه تاریخ تصویب آن، قانون فوق در ۱۳۷۵/۳/۲ به تصویب رسیده است.

به حکم خاص ماده ۷ خواهد بود.

۴- حق حضور و دخالت وکیل در تحقیقات مقدماتی

بر خلاف ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ در قانون جدید و برابر ماده ۱۹۰ متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از حق داشتن وکیل برخوردار است، در این ماده مقرر شده است: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود». (آخوندی، ۱۳۹۳: ۷۰) حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی به اندازه‌ای اهمیت دارد که لازم است بازپرس در احضاریه‌ای که برای متهم ارسال می‌کند علاوه بر مندرجات معمولی آن به این حق نیز اشاره نماید و اگر متهم بدون ارسال احضاریه حضور یا جلب شده، حضوراً این حق را به او تفهیم نماید. عدم ذکر این مطلب در احضاریه، و تفهیم آن به متهم، و طبق تبصره یک این ماده موجب بی اعتباری تحقیقات است. (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۵۴)

ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، از مواد طلایی مقرر در قانون جدید بوده که منطبق با اصول حقوق بین‌الملل بشر می‌باشد و در قانون سابق، به ترتیب مزبور مقرر نشده بود. همچنین، طبق ماده ۳۷۱ این قانون؛ «قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است». (درمزاری، ۱۳۹۲: ۳۶) از نوآوری‌های جدید و اساسی مقرر در این قانون در تخصیص ماده ۳۴۶ به مانند مواد ۵، ۱۹۰ و ۳۷۱ این قانون است. به موجب ماده ۳۴۶ قانون مزبور؛ «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است». (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۲)

حضور وکیل مدافع در مرحله تحت نظر، مقرر جدیدی است که در قانون سابق، صراحتاً مشخص نشده بود. تا قبل از تصویب این قانون در حقوق ایران، نیروهای انتظامی همانند قضات

تحقیق الزامی به اعلام حقوق شخصی تحت‌نظر از جمله حقوق سکونت و حق داشتن وکیل نداشتند، با این حال قانون‌گذار در قانون جدید، صراحتاً این تکلیف را در ماده ۵۲ این قانون برعهده ضابطان دادگستری قرار داده است. به موجب این ماده هرگاه متهم تحت‌نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافتی را ضمیمه پرونده کنند. پس از آنکه حق داشتن وکیل به شخص تحت‌نظر، تفهیم شد وی می‌تواند با شروع تحت نظر قرار گرفتن، تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل شخص تحت‌نظر بایستی با رعایت محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات با شخص تحت‌نظر ملاقات کند و این تکلیفی است که قانون‌گذار بر عهده وکیل قرار داده است. از طرف دیگر، ملاقات با متهم، حداکثر می‌تواند یک ساعت طول بکشد و بیشتر از یک ساعت وکیل چنین حقی ندارد. در پایان ملاقات، وکیل می‌تواند ملاحظات خود را که می‌تواند شامل لایحه دفاعیه نیز باشد، برای درج در پرونده ارائه نماید. در این جرایم، متهم پس از یک هفته از شروع تحت‌نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را دارد: ۱- جرایم سازمان‌یافته ۲- جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ۳- سرقت ۴- مواد مخدر ۵- جرایم مستوجب مجازات سلب حیات ۶- جرایم مستوجب مجازات حبس ابد ۷- جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن ۸- جرایم مستوجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر ۹- جرایم سیاسی و مطبوعاتی.

۴-۱- حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با هدف ترافعی نمودن تحقیقات مقدماتی، نوآوری‌هایی را در مورد حق متهم برای داشتن وکیل پیش‌بینی کرده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود. الف) تجویز حق داشتن وکیل بدون محدودیت:

قانون جدید، حضور وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع وی از متهم را بی‌قید و شرط پذیرفته است. بر پایه ماده ۱۹۰ این قانون، «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیقات توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به وی ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود». در این قانون، محدودیت‌های مربوط به حق دفاع متهم از جمله منع ورود وکیل در

موضوع‌هایی که جنبه محرمانه دارند یا به تشخیص دادرس موجب فساد می‌شوند و نیز جرم‌های ضد امنیت کشور (که در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ پیش‌بینی شده‌اند) ^۱ حذف شده است و متهمان می‌توانند به شکل مطلق در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. (کوشکی، ۱۳۹۳: ۴۴)

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ فقط حضور وکیل در بازپرسی را پذیرفته و وی را از هرگونه دخالت در تحقیق منع کرده است. چنانچه وکیل، توضیح یا ادای مطالبی را ضروری تشخیص دهد، می‌تواند آن را در پایان تحقیقات توضیح دهد و بازپرس مکلف به درج آن در صورت-جلسه تحقیقات است. قانون جدید، در جهت تأمین حقوق متهم و ترافعی شدن تحقیقات مقدماتی، مداخله فعال وکیل را در امر تحقیق پذیرفته است. در این چارچوب، ماده ۱۹۰ این قانون با حذف عبارت «...وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق و پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند...» (آشوری، ۱۳۹۳: ۶۵) وکیل را مجاز دانسته که با آگاه شدن از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند در طول مدت تحقیق اظهار کند. وانگهی، تبصره ماده ۱۹۵ این قانون، حق دخالت وکیل در امر تحقیق را آشکارا یادآوری کرده است: «وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد». بدین سان، قانون جدید با پیش‌بینی حق دخالت کامل وکیل در این مرحله از یک سواز سرنوشت بودن تحقیقات نسبت به متهم کاسته و از سوی دیگر به ترافعی بودن تحقیقات که از ویژگی‌های نظام اتهامی به شمار می‌رود افزوده است.

ب) تکلیف بازپرس مبنی بر تفهیم حق داشتن وکیل به متهم:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الهام از قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، بازپرس را مکلف به تفهیم، حق داشتن وکیل به متهم کرده است. ماده ۱۹۰ این قانون با عبارت «... این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...» بر لزوم تفهیم این حق به متهم تأکید کرده است. باوجود این، در مواردی که متهم وکیل معاضدتی درخواست کند، بازپرس مکلف به تعیین وکیل از طریق قانون وکلا نشده است. به نظر می‌رسد که مواد

۱- تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی مقرر م دارد: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت ملی کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

۱۵ و ۲۶ این قانون به عنوان اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری، حق دسترسی به وکیل و فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین این حق را در همه مرحله‌های فرایند کیفری پیش بینی کرده است. بدین سان، باید حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را در این مرحله نیز به رسمیت شناخت. افزون بر این، خبرگان قانون اساسی در چارچوب اصل سی و پنجم و نویسندگان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳) در قسمت ۷ بند (ز) ماده ۱۳۰ به دخالت وکیل و تهیه سازوکارهای تعیین وکیل رایگان برای متهمان در تمام مراحل فرایند کیفری تأکید کرده‌اند. (نیازپور، ۱۳۹۳: ۹۲)

ج) پیش‌بینی ضمانت اجرا برای عدم تفهیم حق داشتن وکیل به متهم:

قانون‌گذار در چارچوب حمایت مؤثر از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، ضمانت اجرای بطلان را پیش‌بینی کرده است. بر پایه تبصره ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب بی-اعتباری تحقیقات مقدماتی می‌شود». بدین ترتیب، ضرورت بازجویی از متهم در حضور وکیل به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، همانند قانون آیین دادرسی کشور فرانسه (بند ۱ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری) مورد توجه قرار گرفته است. رعایت نکردن این مقررات از دیدگاه قانون‌گذار از جمله مواردی است که حقوق و منافع ذی‌نفع را نادیده می‌گیرد و به استناد تبصره یاد شده از موارد بی‌اعتباری تحقیقات انجام شده تلقی شده است. قانون‌گذار ایران در گذشته، در راستای حمایت از حق دفاع متهم مبنی بر داشتن وکیل، ضمانت اجرای «بطلان» حکم صادره و نه «بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی» را پیش‌بینی کرده بود. ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی (۱۳۹۰ خورشیدی) سلب حق تعیین وکیل از متهم را موجب بطلان حکم انگاشته بود. افزون بر این، بر پایه مقررات ماده واحده، انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰، سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری سبب بطلان حکم صادره می‌شود. در چنین رویکردی، تحقیق از متهم، جز در موردی که او آشکارا از آن صرف نظر کند فقط در حضور وکیل انتخابی یا معاضدتی او امکانپذیر است. (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۲۳)

۱- ماده ۵: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

۲- ماده ۶: متهم و بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

۵- حق دسترسی به اوراق پرونده

دسترسی شاکی یا وکیل او به اوراق پرونده از بدیهیات می باشد اما قانون گذار برای متهم در این مورد محدودیت قایل شده. درباره حق متهم برای دسترسی به اوراق پرونده، قانون گذار موضع جدیدی اتخاذ نموده و چنین مقرر کرده که چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود. و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند. تصمیم دادگاه قطعی است. (مصدق، ۱۳۹۳: ۲۱)

۶- حق سکوت متهم

متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می شود. حق سکوت که از اصول اولیه حقوق متهم است بایستی توسط بازپرس به وی تفهیم شود که خوشبختانه قانون گذار در ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به این امر اشاره کرده است: «ماده ۱۹۷- متهم می تواند سکوت اختیار کند، در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضاء اظهارات، در صورت مجلس قید می شود» متهم اجباری به پاسخگویی به سؤالات بازپرس ندارد و این همان حق سکوت متهم است که صراحتاً در این ماده پیش بینی شده است. لازم به ذکر است که حق سکوت به صورت ضمنی در قانون اساسی در اصل ۳۷ با ممنوعیت اجبار اشخاص به اقرار پذیرفته شده است. سابقاً مقام قضایی، تکلیفی به اعلام حق سکوت به متهم نداشت. این در حالی است که امروزه در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهای مترقی، حق سکوت به عنوان یکی از مهم ترین حقوق دفاعی متهم، به عنوان تکلیفی نه تنها برای مقام تحقیق بلکه برای پلیس و از همان آغاز تحت نظر قرار گرفتن متهم، منظور شده است. لازم به ذکر است که قانون گذار، تکلیف به اعلام حق سکوت را صراحتاً در این ماده مقرر نکرده است ولی با توجه به ماده ۶ ق.آ.د.ک باید گفت که مقام تحقیق، مکلف به اعلام حق سکوت به متهم است. این ماده چنین مقرر می دارد: متهم و... باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند... با این حال، ضمانت اجرایی برای عدم اعلام این حق به متهم، پیش بینی نشده است. (مهآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

۷- حق تماس با خانواده

افراد پس از بازداشت باید بتوانند بلافاصله با افراد خارج از محل بازداشت، اعم از اعضای خانواده و دوستان، پزشک مترجم، وکیل و مقام قضایی صالح ارتباط برقرار کنند و آنها را از وضعیت خویش مطلع نمایند. در غیر این صورت از حق برقراری ارتباط با دنیای خارج از محل بازداشت محروم شده‌اند. بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به این موضوع تصریح نموده و مقامات اعم از قضایی و انتظامی را به فراهم کردن زمینه آگاهی خانواده فرد بازداشت شده از موضوع مکلف نموده است. در ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند؛ مگر آنکه بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند». (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۱۸۲) در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان هم در این قانون (ماده ۷) مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. در همین راستا، این حقوق برای شخص تحت‌نظر وجود دارد که به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن دیگری افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت‌نظر بودن آگاه کند. ماده، این تکلیف را برعهده ضابطان قرار داده که مساعدت لازم را با متهم برای اجرای این حق خود به عمل آورند. این تکلیف استثنایی دارد و آن اینکه چنانچه بنا بر ضرورت تشخیص دهند (مثل بیم تبانی یا فرار سایر همدستان) که شخص نباید از این حق استفاده کند، باید از مقامات قضایی صالح کسب تکلیف مقتضی نمایند. (گروه علمی موسسه آموزشی عالی، چتر دانش، ۱۳۹۳: ۶۳)

۸- حق داشتن پزشک

در قوانین ایران حق دسترسی به پزشک برای متهمان پیش‌بینی نشده و در این زمینه خلا قانون‌گذاری وجود دارد، اما در عمل در موارد بیماری متهم، ضابطان قضایی با هماهنگی قاضی، اقدامات ضروری را معمول می‌دارند. خوشبختانه در ق.آ.د.ک جدید این امر به خوبی نمایان و توجه شده است در ماده ۵۱ آمده است: «بنا به درخواست شخص تحت‌نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت‌نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». حق معاینه پزشکی از حقوقی است که برای

اولین بار مورد تأکید مقنن ایران قرار گرفته است. با توجه به این ماده، بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. (گروه علمی موسسه آموزشی عالی، چتر دانش، ۱۳۹۳: ۶۳)

۹- حقوق متهم در مرحله تعقیب

۹-۱- حق همراهی توسط وکیل دادگستری

متهم باید حق داشته باشد که به اتفاق یک وکیل نزد مقام تحقیق کننده حاضر شود. تحقیقات باید در حضور وکیل به عمل آید و محرمانه تلقی نشود. در موارد کاملاً استثنایی نیز که بازپرس اخذ پاره‌ای از توضیحات را بدون حضور وکیل ضروری بداند، باید پس از تصویب دادستان اجازه این کار از دادگاه صالح کسب شود. در اولین فرصت مناسب باید این امر بر طرف گردد. (مه‌بادی، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

۹-۲- اعطای فرصت کافی برای دفاع

حق دفاع از طبیعی‌ترین حقوق فردی است؛ لذا در طول مدت تحقیقات مقدماتی و دادرسی و قبل از صدور حکم، باید فرصت کافی به متهم جهت تدارک وسایل دفاعی داده شود. در صورتی که متهم بازداشت شود، امکان تهیه اسناد و مدارک و گفتگو با شهود به وی اعطا شود و در دادگاه نیز از فرصت کافی برای رد اتهام‌های وارده استفاده کند و حق پژوهش‌خواهی و فرجام برای وی تضمین شود و بین تاریخ وقوع بزه و محکومیت قطعی بزه‌کار باید فاصله‌ای معقول و مناسب وجود داشته باشد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۳۷)

۹-۳- قواعد حاکم بر جمع‌آوری ادله

مصونیت زندگی خصوصی متهم از جمله مسائل مهمی است که باید به دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ زیرا کوچکترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجب تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم می‌شود. امروزه علوم مثل انگشت نگاری، اسلحه‌شناسی، تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از کامپیوتر در جهت شناسایی متهم از چنان تحول و پیشرفتی برخوردارند که ضریب اطمینان بالایی را در زمینه کشف دقیق و سریع جرم ایجاد می‌نمایند. باید توجه داشت ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم در مقطع کشف جرم ایجاب می‌نماید که از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک غیراصولی و غیرانسانی استفاده نشود. در واقع مرز استفاده از علوم و فنون جرم‌یابی، حقوق و آزادی‌های متهم است. (همان، ۳۸۰)

۱۰- تقویت حقوق دفاعی متهم

نظام کیفری ایران، به دلیل تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی،^۱ حقوق محدودی را برای متهم پیش‌بینی کرده است. حق اعتراض به برخی از قرارهای دادسرا و امکان حضور وکیل متهم در تحقیقات (بی آنکه حق مداخله در جریان تحقیق را داشته باشد) از جمله حقوق دفاعی محدودی بود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ پذیرفته شده بود. با این حال، این قانون تفکیک بین مقام تعقیب، تحقیق و رسیدگی را رعایت کرده و دادستان که امر تعقیب را بر عهده داشت مجاز به دخالت در امر تحقیق نبود. در اصلاحات سال ۱۳۵۲، با توجه به تراکم پرونده‌ها در شعبه‌های بازپرسی، تحقیقات مقدماتی در امور جنحه به دادستان واگذار شد. (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۳)

پس از انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ با هدف مراجعه مستقیم به قاضی، این تفکیک را به طور کامل از بین برد و با واگذاری سه امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی به دادرس واحد، محدودیت‌های جدیدی را برای متهم به وجود آورد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی محدودیت‌های تازه‌ای را برای حقوق و آزادی‌های متهم پیش‌بینی کرده است که از جمله می‌توان به امکان جلوگیری از حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی از سوی دادرس و افزایش موارد بازداشت اجباری اشاره کرد. قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ با برگرداندن دادسرا و کوشش برای جداکردن نهاد تعقیب از تحقیق و رسیدگی کوشید که حقوق متهم را تا حدودی رعایت و مقدمه یک دادرسی منصفانه را فراهم کند. با این حال، این قانون، امر تحقیق در امور خارج از صلاحیت دادگاه کیفری استان را به دادستان و دادیار نیز واگذار کرده است. همچنین این قانون با خارج کردن بازپرس از ردیف ضابطان دادگستری، یک گام به استقلال بازپرس و تفکیک مقام تعقیب از تحقیق نزدیک شد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» که جزء جدایی‌ناپذیر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ است.^۲ (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۳۰) تحولات فراوانی را در مورد حمایت از متهم پیش‌بینی کرده است. در این میان، مقررات ناظر

۱- تحقیقات مقدماتی عبارت از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضائی یا از سوی بازپرسان، دادستانها یا دادیاران تحقیق و نیز سایر مقامات قضائی به منظور کشف، تسجیل و تمهید دلائل، اعم از دلائل اثبات جرم و دلائل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت، صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است.

به مرحله «تحقیقات مقدماتی» از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم در این مرحله بیشتر قابل تصور است تحولات مهمی داشته و در پی توافقی کردن هرچه بیشتر تحقیقات مقدماتی و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعواست و در نتیجه، گرایش به سوی نظام اتهامی دارد. در واقع، اگرچه نهاد قاضی تحقیق به عنوان نماد نظام تفتیشی که امر تحقیق و اداره آن را به عهده دارد حفظ شده، آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور کامل متحول شده است. تلاش برای کاهش اختیارات ضابطان و دادرسان تحقیق و همزمان تعیین ضمانت اجرا در مورد آنان از یک سو و تقویت تضمین‌های حقوقی، قضائی و انسانی متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی از سوی دیگر، از ویژگی‌های مهم این نوآوری است. برای مثال، متهم حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان خود در مرحله دخالت ضابطان و نیز بهره مندی کامل از وکیل مدافع، مطالعه پرونده کیفری و تفکیک مقام تعقیب از تحقیق از حقوقی است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، هنگام دخالت بازپرس دارا شده است. (مهابادی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) با وجود این، برخی ویژگی‌های نظام دادرسی تفتیشی در مرحله مقدماتی همچنان حفظ شده است. برخی تحولات مثبت در این مرحله که در حقوق برخی کشورها در طول سالهای اخیر صورت گرفته، مورد توجه تصمیم گیرندگان سیاست جنایی ایران قرار نگرفته است. بدین ترتیب، ضمانت اجرای «بطلان» به عنوان قاعده‌ای عمومی در مواردی که لطمه اساسی به یکی از حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وارد می شود در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش بینی نشده است. همچنین، این قانون برخلاف اصل توافقی، بازپرس را مکلف نکرده است که قراری مستدل در مواردی صادر کند که وی درخواست متهم را برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می کند رد می نماید. در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، حقوق دفاعی تعریف نشده است. حقوق دفاعی متهم را اینگونه تعریف کرده اند: «مجموعه امتیازاتی که به موجب آن برای متهم امکان موثر دفاع از خود در فرایند رسیدگی کیفری تضمین می شود». بر پایه این تعریف، حقوق دفاعی متهم، حق داشتن وکیل به عنوان برجسته ترین حق دفاعی و سایر حقوق دفاعی مانند حق مداخله در امر تحقیق و مطالعه پرونده کیفری را شامل می شود.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای تقویت حقوق متهم در برخی موارد، امکان استناد به بطلان و بی اعتباری تحقیقات مقدماتی را پیش بینی کرده است. همان گونه که ملاحظه شد، تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق

به متهم را موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته است. در همین چهارچوب، در ماده ۶۰ این قانون نیز یک مورد دیگر ضمانت اجرای بطلان درمورد حق متهم پیش‌بینی شده است که ناظر به منع اجبار یا اکراه متهم و استفاده از کلمات موهن، طرح پرسشهای تلقینی یا اغفال کننده و پرسش‌های خارج از موضوع اتهام در طول مدت بازجویی توسط ضابطان دادگستری است. با این همه، در قانون جدید نیز همانند مقررات قبلی، ضمانت اجرای بطلان به عنوان یک قاعده عمومی در موارد عدم رعایت حقوق متهمین مورد توجه قرار نگرفته است. از دیدگاه حقوق تطبیقی، کشور فرانسه برای ضمانت اجرای بطلان و بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی به عنوان یکی از حقوق دفاعی، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. علاوه بر ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که به موجب آن، عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده در مقررات این قانون و سایر مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری که به منافع طرف‌های دعوا لطمه وارد می‌سازد، باطل تلقی می‌شود. رویه قضایی نیز در صورتی که یک اقدام تحقیقی بدون رعایت تشریفات خاص انجام شود که لطمه به منافع طرف‌های دعوا را همراه دارد، می‌تواند آن را بی‌اعتبار اعلام کند. (مه‌بادی، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

۱۱- نتیجه‌گیری

تحولات مربوط به وضعیت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در چهار محور اساسی دادرسی منصفانه در حال شکل‌گیری است: برابری با سایر طرف‌های دعوای کیفری، تضمین آزادی‌های فردی، اصل برائت و حقوق دفاعی. این تحولات، هدف آیین دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران را تغییر داده است. اگر مدتها هدف آیین دادرسی کیفری از گذر افزایش اختیارات بازپرسان و دادیاران، تحقیق کشف بهتر حقیقت بود، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این هدف به سوی ایجاد توازن میان حقوق و آزادی‌های فردی و الزام‌های نظم و امنیت عمومی گام برداشته است. بی‌تردید، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است. ولی در این باره باید به چند نکته توجه داشت. در مورد مرحله تحت نظر، ضابطان دادگستری پس از تحت نظر قرار دادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده‌اند. پیش‌بینی این حقوق بدون وجود سازوکارهای لازم می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا و به ویژه ضابطان در پی داشته باشد زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صور-تجلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر (شرکا و معاونین) منع نمی‌کند، ضابطان را در انجام

تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبه رو می کند. در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز، وکیل متهم، حق دخالت فعال دارد و از حق دسترسی به پرونده کیفری به همراه موکل خود در تمامی مدت مرحله تحقیقات مقدماتی بهره مند شده است. بی تردید، شخص متهم می تواند با مطالعه پرونده از هویت شهود پرونده آگاه شده و در موارد لزوم، آنان را تحت فشار قرار دهد. قانون مصوب ۱۳۹۲ با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری درخصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و با تدوین آئین نامه های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارب حرفه ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می تواند، موثر و نقش آفرین گردد. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مضیق به نفع متهم»، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. دراین قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار در جهت رعایت برابری طرف های دعوا، مطالعه پرونده امر قبل از هر تحقیق توسط متهم و وکیل وی را مجاز شمرده است. بر پایه ماده ۱۹۱ این قانون، «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند».

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای تقویت حقوق متهم در برخی موارد، امکان استناد به بطلان و بی اعتباری تحقیقات مقدماتی را پیش بینی کرده است. همان گونه که ملاحظه شد، تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را

موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته است. در همین چهارچوب، در ماده ۶۰ این قانون نیز یک مورد دیگر ضمانت اجرای بطلان درمورد حق متهم پیش‌بینی شده است که ناظر به منع اجبار یا اکراه متهم و استفاده از کلمات موهن، طرح پرسش‌های تلقینی یا اغفال کننده و پرسش‌های خارج از موضوع اتهام در طول مدت بازجویی توسط ضابطان دادگستری است. با این همه، در قانون جدید نیز همانند مقررات قبلی، ضمانت اجرای بطلان بعنوان یک قاعده عمومی در موارد عدم رعایت حقوق متهمین مورد توجه قرار نگرفته است. از دیدگاه حقوق تطبیقی، کشور فرانسه برای ضمانت اجرای بطلان و بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی به عنوان یکی از حقوق دفاعی، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. علاوه بر ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که به موجب آن، عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده در مقررات این قانون و سایر مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری که به منافع طرف‌های دعوا لطمه وارد می‌سازد، باطل تلقی می‌شود. رویه قضایی نیز در صورتی که یک اقدام تحقیقی بدون رعایت تشریفات خاص انجام شود که لطمه به منافع طرف‌های دعوا را همراه دارد، می‌تواند آن را بی‌اعتبار اعلام کند.

۱۲- پیشنهادات

- جامعه عمل پوشاندن به این نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی مناسب برای انتخاب وکیل ندارند، پیش‌بینی صندوق جبران خسارت مدت بازداشت شخص بی‌گناه، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط، آموزش ضابطان با هدف آشنا ساختن آنان با نوآوری‌های قانون جدید، ایجاد فرهنگ‌سازی برای ضابطان و مقام‌های دادسرا در راستای پایبندی به قانون مندی و پرهیز آنان از اجرای این نوآوری‌ها، شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است.

- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات

توسط قانون گذار شده است.

- اینجانب حقوق متهم را که یکی از طرفین دعواست در قانون آیین دادرسی کیفری مورد بحث قرار داده‌ام و به حقوق او در مراتب مختلف پرداختم. جا دارد کسانی که مایل تحقیق و پژوهش هستند حق و حقوق شاکی، بزه دیده که طرف دیگر دعوا قرار دارند را با رویکرد قانون جدید مورد بررسی قرار دهند که آیا به حقوق آنان در قانون آیین دادرسی کیفری جدید هم پرداخته شده و آیا نوآوری‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

- از طرف دیگر پژوهش اینجانب با بررسی و شروع رفتار مجرمانه و تا زمان صدور حکم قطعی متهم، را مورد بررسی قرار داده است جا دارد کسانی که مایل به پژوهش و تحقیق در این زمینه هستند از مرحله تجدید نظر که حکم قطعی صادر می‌شود و عبارت متهم به مجرم و محکوم علیه تبدیل می‌شود، بررسی شود که آیا در قانون جدید راجع به مجرم در مرحله اجرای حکم و نوآوری انجام شده، و آیا نسبت با قانون سابق تغییراتی در این زمینه صورت گرفته است؟

- پیشنهاد می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به سوی ایجاد توازن میان حقوق و آزادی‌های فردی و الزام‌های نظم و امنیت عمومی گام‌های بیشتری برداشته شود.

- هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد (بزه دیده و متهم) در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدتها این توازن را به سود حقوق جامعه برهم زده است. ولی در قانون جدید این توازن بطور نسبی برقرار است.

منابع فارسی

کتاب

- آخوندی، محمود، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴، تهران، انتشارات اشراق، چاپ اول
- آشوری، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت
- (۱۳۹۳)، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- (۱۳۸۶)، جایگاه دادرسی و حقوق دفاعی متهم در سیاست جنایی نوین، روابط عمومی دادرسی تهران، مجموعه سخنرانی‌های اولین اجلاس دادستان‌های پایتخت کشورهای اسلامی، تهران، دادرسی عمومی و انقلاب تهران
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ نهم
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۰)، شکنجه، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹
- پرویزی فرد، پرویز (۱۳۹۱)، آیین دادرسی کیفری تطبیقی سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان، تهران انتشارات جنگل جاودانه
- خالقی، علی (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهردانش
- (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش
- درمزاری، محمدرضا زمانی (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر دانش
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات رشديه، چاپ پنجم
- عباس‌زاده، فخرالدین (۱۳۹۲)، تقریرات درسی آیین دادرسی کیفری، تهران، دانشگاه تهران
- کوشکی، غلامحسن، (۱۳۹۲)، بررسی مهم‌ترین نوآوری‌های حمایتی و سازمانی قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، میزان
- گروه علمی موسسه عالی آزاد چتر دانش، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات چتر دانش
- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری منطبق با ق.آ.د.ک جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، تهران، جنگل جاودانه

- مهرپور، حسین (۱۳۷۷)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول
- مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل
- مهابادی، علی اصغر (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران، انتشارات دور اندیشان

مقاله

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲)، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، جلوه ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸

